



درگذشت نوازنده پیشگوسوت

مینو افتاده، مدرس و نوازنده کمانچه و ویولون روز پنجشنبه، هفدهم خردادماه به دلیل عوارض ناشی از سرطان درگذشت. ایلتنا ضمن اعلام این خبر نوشت، زنده‌یاد مینو افتاده مدت‌ها درگیر عوارض بیماری سرطان بود. این نوازنده پیشگوسوت اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۷ دیده به جهان گشود و سال ۱۳۴۷ راهی هنرستان موسیقی ملی شد و زیر نظر استادانی چون حسین دهلوی، مصطفی کمال پورتراب، فرهاد فخرالدینی، شاهین فرهت و اقلیاپرتو آموزش دید. او ویولون را نزد ژرژ مارتیروسیان فرا گرفت و از لوست مارتیروسیان نوازندگی پیانو را آموخت. او زیر نظر زنده‌یاد محمد اسماعیلی تنبک‌نوازی را یاد گرفت و برای آموزش جواب آواز نزد محمود کریمی رفت. افتاده، طی سال‌های حیات خود ضمن همکاری با خوانندگانی چون نادر گلچین، خاطره پروانه و تورج کبارس با ارکسترهای متعددی همکاری کرده بود. مراسم تشییع و خاکسپاری این هنرمند پیشگوسوت روز جمعه، هجدهم خردادماه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) برگزار شد.



کلونی و همسرش در برابر کاخ سفید

جورج کلونی با کاخ سفید تماس گرفت تا از کار همسرش برای محکوم کردن اسرائیل دفاع کند. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از واشنگتن‌پست نوشت، در حالی که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به‌شدت از اقدام دادگاه کیفری بین‌المللی برای صدور حکم علیه رهبران اسرائیل انتقاد کرده و امل کلونی از افرادی است که به‌شدت پیگیر این امر است، جورج کلونی از همسرش و تلاش او حمایت کرد. جورج کلونی، بازیگر برنده جایزه اسکار، چند روز پیش با یکی از دستیاران ارشد بایدن تماس گرفت تا تازباتی خود را از انتقاد رئیس‌جمهوری از اقدام دادگاه کیفری بین‌المللی علیه رهبران اسرائیل ابراز کند. این پرونده‌ای است که همسر کلونی، امل کلونی روی آن کار می‌کند. بایدن حکم بازداشت کیفری از سوی دادستان‌های دیوان بین‌المللی کیفری برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالاتنت، وزیر دفاع را محکوم کرده، به‌ویژه با کلمه «ظالمانه» از این حکم ابراز نگرانی کرد.



درخواست هنرمندان فرانسوی از مکرون

حدود ۲۳۰ هنرمند، تولیدکننده محتوا و چهره‌های سرشناس در فرانسه از رئیس‌جمهور این کشور امانوئل مکرون خواستند که کشور فلسطین را به رسمیت بشناسد. فزارس ضمن اعلام این خبر نوشت، امضاءکنندگان این نامه که در روزنامه لیبراسیون به چاپ رسید، با اعلام اینکه «نسل‌کشی» در غزه در حال وقوع است، گفتند که بسیاری از آنان در مقابل این رویداد تلخ احساس درماندگی می‌کنند. این هنرمندان از رئیس‌جمهور فرانسه درخواست کردند که کشور فلسطین را به رسمیت بشناسد، خلاف جهت تاریخ گام بردارد و در «اردوگاه شرم» نیفتد. در میان امضاءکنندگان این بیانیه نام‌های آشنایی چون ادل آگازا کوپولوس، لنا سیدو، رضا کاتب، لودیوین سنیه، باثاریس دال و لیلیا بختی به چشم می‌خورد. فارس همچنین در خبر دیگری نوشت، متیو کوک، مستندساز و تدوینگر آمریکایی با طرح این پرسش در صفحه اینستاگرامش که «چند کودک دیگر باید جان خود را از دست بدهند تا دموکرات‌ها به انسانیت ارج نهند؟»، افزود: «مسیر به سوی صلح واضح است. آمریکا باید از حمایت خود از این نسل‌کشی دست بردارد.»



صندوق رأی و پرده سینما

بازنمایی انتخابات در سینمای ایران

نمایی از فیلم ما روزه



رضا صائمی منتقد سینما

انتخابات و سازوکارها و مکانیسم‌هایش در کنار حاشیه‌هایی که همیشه داشته و نسبت مستقیمی که با مردم و سرنوشت جمعی‌شان داشته، فقط یک رخداد استراتژیک در سیاست نیست بلکه موقعیتی دراماتیک برای سینما هم هست و آن را می‌توان یکی از مهم‌ترین نقاط وصل سینما و سیاست دانست. سینمای ایران در طول چهار دهه گذشته، نسبت به «انتخابات» بی‌تفاوت نبوده است و اغلب فیلمسازان با خاستگاه‌های فکری مختلف و نگاهی منتقدانه سراغ این تجربه سیاسی رفته‌اند؛ سوزهای که چه در ساخت سیاست و چه برای ساخت فیلم همواره داغ و تماشایی بوده است. گرچه تعداد فیلم‌هایی که در سینمای ایران با محوریت انتخابات و حواشی آن ساخته شده باشد کم است و دلیل آن، رویکرد نظارتی‌ای است که در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت سینمایی به این مقوله وجود دارد و آن را به سوزهای حساس تبدیل می‌کند که هر فیلمسازانی به آن راه ندارد و نمی‌تواند درباره هر موضوع فیلم بسازد یا هر فیلمی که خواست بسازد، به همین دلیل ریسک‌پذیری در ساخت فیلمی درباره انتخابات در سینمای ایران پایین است و نهادهای سینمایی در این زمینه ریسک نمی‌کنند که به هر فیلمسازانی اعتماد کنند تا ساخت فیلمی درباره انتخابات و مسائل آن را به او بسپارند. گرچه در دو دهه اخیر ساخت فیلم‌های انتخاباتی و تبلیغاتی برای نامزدهای ریاست‌جمهوری توسط فیلمسازان رواج یافت و در دو دوره، کارگردان‌های شناخته‌شده و مطرحی برای برخی نامزدهای ریاست‌جمهوری فیلم تبلیغاتی ساختند اما در سینمای داستانی کمتر شاهد تولید فیلم درباره این موضوع بودیم. واقعیت این است که سوزهای سیاسی اساساً ظرفیت ویژه‌ای برای جذب مخاطبان به فیلم‌های سینمایی دارند، اما سختی روایت این دست از سوزها در قالب یک فیلم سینمایی از یک سو و دشواری دریافت مجوزهای ساخت و نمایش برای آن‌ها از سوی دیگر، باعث شده است تا سینماگران کمتر سراغ مضامینی از این دست بروند. به همین دلیل هم طی ۴ دهه گذشته، معمولاً «سینمای سیاسی» در زمره گونه‌های مغفول در سینمای ایران رده‌بندی شده است. گرچه در سال‌های اخیر کارگردانان جوان‌تری بوده‌اند که ترجیح دادند موانع را پشت سر بگذارند و مسائل سیاسی‌ا سوزها را فیلم خود قرار دهند؛ فیلمسازانی که هر کدام در آثار خود، سراغ موضوعات سیاسی پیوندخورده با تاریخ معاصر ایران و عمدتاً دهه ۶۰ رفته‌اند و آن را تبدیل به روایتی سینمایی کرده‌اند. در میان سوزهای متنوع سیاسی اما یکی از سوزهای جذاب برای روایت در قالب یک فیلم، فرآیند برگزاری انتخابات است؛ سوزهای که تا به امروز کارگردانان متفاوتی از طیف‌های مختلف فکری و سیاسی در سینمای ایران، دست روی آن گذاشته‌اند و تجربه‌هایی را به ثبت رسانده‌اند.

آقای رئیس‌جمهور

پرتنگ‌ترین خاطره از فیلم‌های او به «قلاده‌های طلا»

باز می‌گردد، اما این اولین فیلم سیاسی ابوالقاسم طالبی نیست؛ بیشتر و پیش‌تر از «قلاده‌های طلا» این «آقای رئیس‌جمهور» بود که برای این کارگردان حاشیه‌ساز شد. فیلمی که در سال ۷۷ و یک‌سال بعد از انتخابات دوم خردادماه سال ۷۶ ساخته و در سال ۷۹ آماده نمایش شد اما از همان زمان به محاق توقیف رفت تا سرانجام بعد از کش‌وقوس‌های بسیار و پس از ۲۰ سال، در سال ۹۸ از تلویزیون پخش شد. طالبی خودش در مصاحبه‌ای عنوان کرده، این فیلم را علیه لیبرالیسم ساخته و بیان کرده بود: «امام وقتی آقای منتظری را برکنار کردند، گفتند که شما بعد از من انقلاب را به دست لیبرال‌ها می‌سپارید. لیبرالیسم دوروی سکه دارد یکی قماربازها و دیگری هم داعش و منافقین و طالبان و... من به این تفکر اشاره داشتم. تفکر خشنی که می‌کشند و نابود می‌کنند و دیگری به اسم آزادی، افراد را زندانی می‌کنند که نمونه آن را در فرانسه می‌بینیم. من این فیلم را علیه لیبرالیسم ساختم.» فیلم «آقای رئیس‌جمهور» رویایتگر زندگی شخصی است که در اندیشه تصاحب کرسی ریاست‌جمهوری است. اثری که عنوان صریح‌ترین فیلم سیاسی با موضوع «جایگاه ریاست‌جمهوری» را می‌تواند به خود اختصاص دهد. در خلاصه داستان رسمی فیلم آمده است: «مصطفی ریاحی رزمنده سال‌های جنگ و روزنامه‌نگار به دور از مصلحت‌گرایی امروز، به خاطر توطئه‌ای مالی به زندان می‌افتد و نشریه‌اش تعطیل می‌شود ولی با لطف ظاهری شخصیتی منتقد از زندان بیرون می‌آید، اما طرز فکر و مقالاتش مورد قبول هیچ‌یک از جناح‌های سیاسی نیست.»

قلاده‌های طلا

شاید «قلاده‌های طلا» جنجالی‌ترین فیلمی است که تاکنون در موضوع انتخابات ساخته شده است. ابوالقاسم طالبی در دومین اثر خود در خصوص انتخابات، این بار سیاسی‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را می‌سازد؛ فیلمی که بر انتخابات و درگیری‌های بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ متمرکز است و نقش عوامل خارجی مانند «سی. آی. ای»، «موساد» و سازمان مجاهدین خلق در این درگیری‌ها و درگیری‌های مأموران وزارت اطلاعات با این گروه‌ها را به تصویر می‌کشد؛ فیلمی که مورد نقد تند بسیاری از مخاطبان قرار گرفت و آن را روایتی یکسویه به سوزده دانستند.

تلفن همراه آقای رئیس‌جمهور

«تلفن همراه آقای رئیس‌جمهور» فیلمی به کارگردانی «علی عشقانی»، نویسنده‌ی جابر قاسمعلی و تهیه‌کنندگی محسن آقاعلی‌اکبری، ساخته سال ۱۳۹۰ است. داستان فیلم درباره پیرمردی است که شغلش باربری بوده و قصد خرید سیمکارت و تلفن همراه را دارد که دست بر قضا سیمکارت خاموش سالیان گذشته رئیس‌جمهور مورد معامله قرار گرفته و دست او می‌افتد. این فیلم در سی‌امین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و دیپلم افتخار بهترین بازیگر زن (بهناز جعفری) را دریافت کرد. پس از آن قرار بود در اردیبهشت‌ماه ۹۱ اکران شود و با این که تبلیغات محیطی و نصب بیلبوردها نیز آغاز شده بود، اما از اکران آن جلوگیری شد. عوامل فیلم سعی دارند تا با تغییرات به‌وجودآمده در فیلم بتوانند تا قبل از انتخابات، فیلم را به نمایش عمومی درآورند.

زیر پوست شهر

رخشان بنی‌اعتماد با آن که به ساخت فیلم‌های اجتماعی شناخته می‌شود اما نسبت به سوزهای سیاسی و مشخصاً انتخاباتی هم بی‌توجه نبوده است. او البته از منظر کاملاً اجتماعی، سراغ پدیده‌ای به‌نام «انتخابات» رفته است. بنی‌اعتماد «زیر پوست شهر» را در سال ۷۹ ساخت که در سال ۸۰ به نمایش درآمد؛ فیلمی که گرچه می‌توان آن را در دسته فیلم‌های سیاسی قرار داد اما باز هم این وجه اجتماعی است که در «زیر پوست شهر» پررنگ است؛ فیلمی که در بخش‌هایی به مسئله انتخابات مجلس ششم می‌پردازد و نکته حائز اهمیتش، طرح سوال درباره «توسعه سیاسی» است اما در سوی دیگر به مسئله اختلاف طبقاتی و مشکلات اقتصادی هم می‌پردازد. «زیر پوست شهر» را می‌توان حاصل تحولات سیاسی آن روزها دانست که برخی منتقدان از آن در همان سال‌ها به‌عنوان پخته‌ترین اثر کارنامه رخشان بنی‌اعتماد یاد می‌کردند. در خلاصه داستان این اثر با بازی به‌یادماندنی گلاب آدینه آمده است: «طوبی کارگری می‌کند تا خرج خانواده را بدهد. هر کدام از چهار فرزند او در دنیای خودشان هستند؛ یکی عشق رفتن به ژاپن را دارد، یکی وارد موضوعات سیاسی انتخابات شده و یکی با شوهرش مشکل دارد. انتخابات مجلس نزدیک است و طوبی امید دارد که اوضاع بهتر شود.» «زیر پوست شهر» در نه‌ها بالغ بر یک میلیون و ۶۰۰ هزار مخاطب را به خود جذب کرد و توانست فروشی بیش از ۵۰۰ میلیون تومان را تجربه کند تا در جرگه فیلم‌های پرفروش و پرمخاطب قرار بگیرد.

اخراجی‌های ۳

حالا دیگر فیلم‌ها و سریال‌های متأخرش، توفیق کارهای ابتدایی او را ندارند تا همچنان موفقیتش به‌سه‌گانه «اخراجی‌ها» و به همان سال‌های ورود به میدان کارگردانی گره بخورد. کارگردانی که در آن دوران از سوسه‌بربانگیزترین سینماگران برای سرمایه‌گذاران به منظور همکاری در ساخت فیلم‌های پرمخاطب به حساب می‌آمد. مسعود ده‌نمکی گرچه هنوز در اذهان مخاطبان به‌عنوان یک کم‌دی‌ساز باقی‌مانده اما او یک‌بار هم موضوع تحولات جامعه بعد از جنگ و انتخابات را در «اخراجی‌های ۳» دستمایه ساخت اثر کرد. داستان «اخراجی‌های ۳» در فضای انتخابات می‌گذرد. شخصیت‌های زمان «اخراجی‌های ۱ و ۲» به زمان حال آمده و حاجی گریونوف، شخصیت متظاهر و سخته‌گیر «اخراجی‌های ۱ و ۲» با بازی محمدرضا شریفی‌نیا، نامزد انتخابات شده و رقیب او اکبر دباغ با بازی رضا رویگری است. نامزد دیگر این فیلم سیده‌تضنی با بازی سیدجواد هاشمی است که نامزد ساده‌زیستی محسوب می‌شود که در تقابل با دو نامزد دیگر قرار دارد. مسعود ده‌نمکی در این فیلم با یادآوری دوقطبی‌های انتخاباتی در جامعه سعی کرده کنایه‌هایی به مناظرات انتخاباتی هم داشته‌باشد.

ایران برگر

مسعود جعفری‌جوزانی در سال ۹۳ با اثری متفاوت در جشنواره فیلم فجر حضور پیدا کرد؛ با فیلمی کم‌دی و البته انتخاباتی! اقبال مخاطبان در همان دوره از جشنواره از «ایران